

نقش ترجمه در گسترش فرهنگی جوامع**(با تکیه بر رمان سرگذشت ژیل آلن اثر رنه لوساز)**مهسا کاظم پورا^۱

چکیده

ترجمه، برگردان یک متن از زبان مبدأ و انتقال به معادل آن در زبان مقصد است. ترجمه از آثار غیرفارسی، فارسی‌زبانان را با مسائل رایج در جوامع مختلف آشنا می‌کند و سبب الگوبرداری و توسعه فرهنگی ملل می‌شود. یکی از محورهای اصلی هر جامعه‌ای نویسندگان آن هستند که در آثار خود نیکی‌ها و پلشتی‌های جوامع را منعکس می‌کنند. رسالت مترجمان آثار نیز این است که در هنگام ترجمه، هویت فرهنگی آثار را تغییر ندهند و آنها را به همان صورت که در متن اصلی موجود است، با اندک تغییراتی در تحریرات خود بگنجانند. سرگذشت ژیل‌بلاس، نوشته آلن رنه لوساز فرانسوی است که یکی از بزرگترین مترجمان، میرزاحیب اصفهانی، آن را ترجمه کرده است. این اثر یکی از داستان‌های پیکارسک و عامیانه فرانسوی است که به شیوه رئالیسم اجتماعی مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی جامعه عصر نویسنده را چون آیین‌های تمام‌نما در خود بازتاب داده است. این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مسائل سیاسی، اجتماعی، فولکلوریک، مطرح شده در اثر مذکور را بررسی کرده است. پژوهش نشان می‌دهد که برخی از مؤلفه‌های فرهنگی ریشه در الگوهای جمعی جوامع دارند و در جوامع مختلف مشترک هستند؛ اما مؤلفه‌هایی نیز وجود دارد که مختص جامعه خاصی هستند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در این اثر مسائل فرهنگی‌ای چون فقر، تضاد طبقاتی، اسامی شخصیت‌ها، جایگاه زنان، آزادی و... بازتاب دارد.

کلیدواژه‌ها: ترجمه، توسعه فرهنگی، سرگذشت ژیل‌بلاس، آلن رنه لوساز.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۱. مقدمه

ترجمه، یک روش علمی است که در آن مترجم مفاهیم و مباحث زبان مبدأ را در زبان مقصد انتقال می‌دهد. بنابراین نویسنده و مترجم باید همهٔ واژگان، اصطلاحات و مفاهیم زبان مبدأ و مقصد را بدانند تا نقش خود را به درستی انجام دهد. با توجه به این تعریف که ترجمه نیازمند درک مترجم است، اهمیت عمل ترجمه مشخص می‌شود.

بررسی ترجمه و مقایسهٔ متون ادبی گوناگون در ادبیات‌هایی که روابط متبادل دارند، امری اساسی است؛ زیرا در بسیاری از ترجمه‌ها تصرّف می‌شود و همگی از نظر دقت و امانت یکدست نیستند؛ بنابراین هنگام داوری دربارهٔ تأثیر نویسنده‌ای بر یکی از زبان‌ها و ارزشیابی آن، باید ترجمه با متن اصلی مقایسه شود و اگر محقق با زبان اصلی ترجمه آشنایی نداشته باشد، چگونه می‌تواند از صحت و سقم آن مطلع شود و با روش علمی به تطبیق ترجمه‌ها پردازد (ر.ک؛ غنیمی هلال، ۱۳۷۷: ۱۱۹).

ترجمه مسائل نظری دربارهٔ ادبیات، اجتماع و آثار منتقدان اروپایی، سبب گسترش میدان دید و جلب توجه نویسندگان ایرانی و عرب نسبت به مضمون‌ها و صنعت نوین داستان‌نویسی است. ترجمهٔ آثار رئالیستی و رمانتیک بیش از ترجمهٔ آثار نظری ادبی بر داستان‌نویسی ایران و عربی تأثیر گذاشت. با نگاهی به آثار ترجمه شده در دههٔ اخیر داستان‌نویسی معاصر فارسی و عربی درمی‌یابیم که توجه ویژه‌ای به آثار واقع‌گرایانه شده است. در ابتدا ادبیات رمانتیک فرانسه نقش رهبری فرهنگ غنی ادبیات فارسی و عربی را بر عهده داشت، اما با گسترش ترجمهٔ آثار دو مکتب فرانسوی و آمریکایی بر ادبیات این دو کشور، فن داستان‌نویسی دچار تحوّل شد. مهم‌ترین تأثیر ترجمهٔ ادبیات خارجی، جز گسترش مضمون، اندیشه‌ها و افکار رئالیستی و سوررئالیستی که با آن خفقان استبداد و استعمار را در آثارشان نشان می‌دادند، آشنایی نویسندگان با شیوهٔ تک‌گویی درونی به تاسی از آثار جیمز جویس و ویلیام فاکنر بود (ر.ک؛ میرعابدینی، ۱۳۷۷ ج ۱: ۳۰۱).

از طرف دیگر، یکی از راه‌های شناسایی و دسترسی ادبیات اثرپذیر به اثرگذار، ترجمه است. ترجمه‌های زیبای آثار ادگار آلن پو (۱۸۴۹-۱۸۰۹ م.) توسط بودلر (۱۸۶۷-۱۸۲۱ م.)، ترجمه و ترویج فرهنگ و آیین ایران در میان اعراب به‌وسیلهٔ عبدالله بن مقفع و ترجمه‌های آثار

بریتانیایی به زبان فرانسه به وسیله ولتر (۱۷۷۸-۱۶۹۴ م.) از همین مقوله‌اند (ر.ک؛ انوشیروانی، ۱۳۹۱: ۸).

۱-۱. بیان مسأله و ضرورت پژوهش

ترجمه یکی از شیوه‌های علمی رایج در هر کشوری است که نویسندگان بسیاری به آن مبادرت کرده‌اند. این روش علمی در ایران با ترجمه آثار غربی آغاز شد و تحولات بنیادینی در حیطه ادبیات، فرهنگ و اجتماع و... ایجاد کرد. مسأله پژوهش حاضر این است که آثار ترجمه شده تا چه حدی در توسعه فرهنگی جوامع نقش دارند؟

با مطالعه هر اثری نکات مکنون آن مورد توجه خواننده قرار می‌گیرد. پژوهشگر با مطالعه رمان سرگذشت ژیل‌بلاس اثر آلن رنه لوساژ متوجه شد که این اثر و آثار مشابه آن که از زبان‌های دیگر ترجمه شده‌اند، سبب بازتاب مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... بسیاری از اجتماع زبان مبدأ است که مترجم با برگردان آنها در زبان مقصد به توسعه فرهنگی اجتماع مقصد کمک می‌کند و سعی دارد خوانندگان علاقه‌مند را از این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آگاه کند.

۱-۲. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهشی مقاله حاضر نشان می‌دهد که درباره سرگذشت ژیل‌بلاس پژوهش‌هایی صورت گرفته‌است که در ذیل ذکر می‌شود.

۱. در سال ۱۳۹۷، کاظم‌پور و مختاری، مقاله‌ای با عنوان «اجتماعیات در سرگذشت ژیل‌بلاس» نوشته‌اند که در آن به ویژگیهای اجتماعی حاضر در این رمان اشاره کرده‌اند.

۲. در سال ۱۳۹۳، فرهادی کتابی با عنوان «فرهنگ، هنر و توسعه» از آمارتیسن ترجمه و گردآوری کرده‌است که از مهم‌ترین مباحث این کتاب می‌توان به ارتباط فرهنگ و توسعه، فرهنگ به عنوان بخش بنیادی توسعه، اقتصادی بودن فرهنگ، تأثیر فرهنگ بر رفتارهای اقتصادی و مشارکت سیاسی، رابطه فرهنگ و همبستگی اجتماعی، نقش میراث فرهنگی در شناسایی هویت انسان‌ها و تأثیر فرهنگ در شکل‌گیری ارزش‌ها نام برد.

۳. در سال ۱۳۹۷، کاظم پور پایان‌نامه‌ای با عنوان «مقایسه تطبیقی داستان سمک عیار و سرگذشت ژیل‌بلاس» نوشته‌اند که در آن ضمن معرفی این دو اثر به ویژگی‌های مشترک این دو اثر از جمله ویژگی‌های سبک شناسی و عناصر داستان پرداخته‌اند.

۴. در سال ۱۳۹۱، صباغی مقاله‌ای با عنوان «بررسی ترجمه متن‌های تصویری بر مبنای تئوری ترجمه و ترجمه فرهنگی» نوشته است. هدف از نگارش این سری مقالات توصیه و نصیحت درباره یک ترجمه خوب و شرح و تفصیل درباره وظایف مترجم نیست، بلکه بیش‌تر تعمق در خود پارادایم «ترجمه» به مثابه مفهومی گسترده‌تر از برگردان معنی از یک زبان به زبان دیگر و حتی زمینه مناسبی برای بسیاری از مطالعات معاصر در زمینه فرهنگ‌هایی است که این متون در آن به وجود می‌آیند و ترجمه می‌شوند.

۵. در سال ۱۳۹۷، صفری و موسوی مقاله‌ای با عنوان «نگاهی تازه به ساختار زبان عامیانه در ترجمه رمان سرگذشت ژیل‌بلاس از میرزا حبیب اصفهانی» نوشته‌اند. این پژوهش جلوه‌های زبان عامیانه در سرگذشت ژیل‌بلاس را در سطوح مختلف از جمله: کلمات، عبارات، کنایه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و امثال آن بررسی می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، این ترجمه گنجینه‌ای از بهترین مثل‌ها، کنایه‌های رایج در میان مردم، اصطلاحات و حکمت‌های عامیانه است.

مطالعه در کارنامه پژوهشی مقاله حاضر نشان می‌دهد که تاکنون کتاب، پایان‌نامه و مقاله‌ای با عنوان «نقش ترجمه در توسعه فرهنگی (با تکیه بر رمان سرگذشت ژیل‌بلاس اثر آلن رنه لوساز)» نوشته نشده است.

۲. مبانی نظری

یکی از اساسی‌ترین خمیرمایه‌های بنیادین تمدن بشر انتقال دادن مجموعه ترکه‌های یک ملت در متن ملت دیگر است و ترجمه متون یکی از بهترین دستمایه‌های بشر برای انتقال زبان به زبانی دیگر است.

ترجمه در لغت یعنی برگرداندن متنی از زبانی به زبان دیگر، یا از زبان مبدأ به زبان مقصد، به‌گونه‌ای که تا حد امکان محتوا و صورت پیام در این انتقال حفظ شود، اما این مسئله به ساختارهای متفاوت زبان‌ها وابسته است. هر زبان از واژگانی خاص استفاده می‌کند، هم‌نشینی

واژه‌ها در هر زبان تابع قواعدی خاص است و در نهایت، جمله‌هایی که در هر زبان به کار می‌رود، می‌تواند معنی یا معانی ویژه‌ای برای خود داشته باشد که انتقال هر یک از این جملات بدون دستکاری، حذف یا اضافه کردن ویژگی‌های دیگر امکان‌پذیر نیست (امامی و محمدی، ۱۳۹۱: ۳۰).

به تعریف فرهنگ لغت، ترجمه عبارت است از: تغییر یک حالت یا شکل به حالت یا شکل دیگر برای برگرداندن آن به زبان خود و یا دیگری. هدف ترجمه، انتقال معنا از زبان مبدأ به زبان مقصد است. این کار با تغییر شکل زبان اول به شکل زبان دوم و از طریق ساختار معنایی انجام می‌گیرد (کبیری، ۱۳۸۸: ۱).

دیدگاه‌های مختلف در ترجمه وجود دارد. ناپیدا می‌گوید: ترجمه عبارت است از پیدا کردن نزدیکترین معادل طبیعی پیام زبان دهنده در زبان گیرنده، نخست از لحاظ معنایی و دوم از لحاظ سبک. نیومارک (۱۹۷۶م.) ترجمه را فن و حرفه‌ای می‌داند که طی آن سعی می‌شود پیام نوشتاری زبانی را با همان پیام در زبان دیگر جایگزین کنند (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۵۶).

مترجمی که اثری را ترجمه می‌کند به روش‌های گوناگون عمل می‌کند و درجه امانتداری وی نسبت به زبان مبدأ مختلف است. مترجم ممکن است خواننده‌محور یا نویسنده‌محور باشد که در هریک از این شیوه‌ها به روشهای مختلف عمل می‌کند. تأکید مترجم خواننده‌محور، بر خواننده است. وی در این نوع ترجمه فقط بر مفهوم اصلی گفتار نویسنده متمرکز است و در بیان این مفاهیم آزادی بیان دارد و هرگونه که بخواهد می‌تواند آن را بیان کند؛ ولی در ترجمه نویسنده‌محور، مترجم امانتداری است و در بیان مفاهیم نویسنده محتاط عمل می‌کند تا از دایره لغات و مفاهیم مشابه زبان مبدأ در زبان مقصد استفاده کند؛ بنابراین ترجمه نویسنده‌محور برای خواننده غیرمأنوس به نظر می‌آید و بیگانگی خواننده با عصر و فضای حاضر در متن بارزتر است؛ ولی در ترجمه خواننده‌محور، خواننده متن احساس ارتباط صریحی با اثر احساس می‌کند و فهم این نوع ترجمه برای خواننده راحتتر است.

نیومارک (۱۹۸۱) به دو نوع ترجمه اشاره می‌کند؛ ترجمه معنایی و ترجمه پیامی. در ترجمه معنایی، مترجم نه تنها مفهوم متن مبدأ را نشان می‌دهد بلکه نحوه بیان نویسنده اصلی یعنی

آرایش و ساختار نحوی را نیز حفظ می‌کند. در ترجمهٔ پیامی، مترجم تنها پیام اصلی را مدنظر قرار می‌دهد آنچه را که خودش از متن اصلی درک می‌کند و به شیوهٔ بیان متن اصلی توجه ندارد (آذروش، ۱۳۹۵: ۲۰).

ترجمه دو نوع است: ترجمهٔ تحت‌اللفظی و ترجمهٔ اصطلاحی؛ یکی از این دو نوع برپایهٔ شکل است و دیگری بر پایهٔ معنا، ترجمهٔ مبتنی بر شکل سعی دارد به دنبال شکل زبان مبدأ باشد و به آن ترجمهٔ تحت‌اللفظی گفته می‌شود. ترجمهٔ مبتنی بر معنا، تمامی تلاشش بر آن است که القاکنندهٔ معنای متن زبان مبدأ به شکل‌های طبیعی زبان مقصد باشد (کبیری، ۱۳۸۸: ۱۵).

«در توجیه و موارد استعمال هر یک از این دو نوع ترجمه، عواملی چون هدف ترجمه و اهمیت ذاتی واحد معنایی در متن و نوع متن را مطرح می‌کند. در جاهایی که زبان را به عنوان ملازم عمل یا سمبل آن به کار می‌برند، ترجمهٔ پیامی به عمل می‌آید، درحالیکه تعریف‌ها، شرح‌ها و غیره به شیوهٔ معنایی ترجمه می‌شوند. اگر نوشته‌های غیرادبی، مطبوعاتی، کتاب‌های درسی، نوشته‌های علمی و آگهی تبلیغاتی باشند، ترجمهٔ پیامی هستند. برعکس، بیان اصلی که در آن زبان ویژهٔ نویسنده به اندازهٔ پیام اهمیت دارد، صرفنظر از نوع موضوع متن از قبیل فلسفی، مذهبی، سیاسی و ادبی، احتیاج به ترجمهٔ معنایی دارد (نیومارک، ۱۹۸۱م: ۴۴. به نقل از لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۷۴).

۲-۱. سیر ادبیات ترجمه

ترجمه یکی از روش‌هایی است که انسان و به‌طور کلی جوامع با استفاده از آن از افراد و جوامع بیگانه و عواطف و افکار آنها آگاهی پیدا می‌کند. به همین دلیل این روش ادبی، در طول تاریخ در کشورهای گوناگون نقش پررنگی دارد و از جمله کشورهای که در ابتدا به این روش مبادرت کردند، کشورهای اروپایی، آمریکا و روسیه بوده‌اند که در این کشورها، ترجمه از فاکتورهای اصلی و سازندهٔ زندگی فرهنگی به شمار می‌رود.

لازم به ذکر است که نخستین ترجمه از زبان بیگانه به زبان فارسی، ترجمهٔ کتاب مقدس قرآن کریم است. بیگمان در این دوره، هنوز چهارچوب ترجمه مشخص نشده بود؛ ولی ضرورت فهم کتاب مقدس ایجاب می‌کرد که ایرانیان این کتاب را به زبان خود برگردانند تا از مفاهیم

معنوی و مسائل الهی موجود در قرآن آگاه شوند. در سده‌های نخستین چون زبان عربی، زبان مقدس، دین و اسلام محسوب می‌شد. عربی‌گرایی در میان ایرانیان رسم بود حتی بسیاری از شاعران برای تفاخر، لغات و اصطلاحات عربی را در آثار خود ذکر می‌کردند و می‌توان ذکر کرد که برخی این هنرمندان علاوه بر اینکه شاعر بودند، فاضل نیز محسوب می‌شدند. این امر موجب شد که در دوره‌های سوم تا پنجم هجری برخی از کتاب‌های سیره از زبان عربی به زبان فارسی ترجمه شوند.

«آغاز نهضت ترجمه به زمان منصور، اواخر نیمه اول قرن دوم هجری، بازمی‌گردد. ابن مقفع (۱۰۶-۱۴۲ق) کلیله و دمنه را از پهلوی به عربی ترجمه کرد که یکی از نمونه‌های عالی نثر ادبیات عرب شمرده می‌شود. وی افزون بر این، کتاب‌های خداینامه یا تاریخ ملوک الفرس، آیین‌نامه، کتاب مزدا، سیره انوشیروان و چند رساله ادبی و اخلاقی دیگر را به عربی برگردانده است» (درآمدی بر تاریخ فلسفه اسلامی: ۱۵۳). آغاز سیر ترجمه و فعالیت‌های فرهنگی را عباس میرزا با اعزام دانشجویان به اروپا و کشور انگلستان شروع کرد. وی از اعزام نخستین کاروان دانشجویان، به اهداف خود نرسید، اما این اقدامش آغازی برای اعزام‌های بعدی شد. در سال ۱۳۱۳م/۱۲۸۱، عباس میرزا پنج نفر دیگر از جوانان ایرانی را از آذربایجان روانه انگلستان کرد که یکی از آنها میرزا صالح، را فقط برای یادگیری زبان انگلیسی به آن دیار فرستاد (مینوی، ۱۳۳۲: ۱۸۵). برای آنکه بدانیم نخستین ترجمه در دوره قاجار دقیقاً کدام اثر است و چه وقت اتفاق افتاده است، باید کمی به قبل‌تر از زمان ترجمه کتاب در ایران برگردیم؛ یعنی زمانی که ایران برای برقراری ارتباط با کشورهای دیگر، هم برای نامه‌نگاری و هم برای ملاقات‌های حضوری، با کمبود مترجم و اشخاص دوزبانه در دربار دست به گریبان بود. به همین سبب، در آغاز، نه به مترجمانی برای برگرداندن کتاب که، به مترجمانی شفاهی یا مترجمانی برای ترجمه نامه‌ها نیاز بود که به دوره فتحعلی‌شاه و نامه‌نگاری‌اش با ناپلئون برمی‌گردد (نوابی، ۱۸۸۸: ۲۱).

در مورد ترجمه کتاب، از نظر زمانی، نخستین کتاب ترجمه شده در دوره قاجار «حوادثنامه» نام داشت که محمدرضی تبریزی در سال ۱۲۲۲، از ترکی عثمانی به فارسی ترجمه و به عباس میرزا اهدا کرد (کیانفر، ۱۸۸۳: ۲۸).

به تدریج با گشایش دارالفنون در زمان ناصرالدین شاه صنعت ترجمه، توسعه فراوانی یافت. تا در عصر مشروطه؛ که دوره بسیار مهمی در تغییرات و تحولات کشور ایران محسوب می‌شود؛ شتاب بیشتری گرفت. «گسترش مناسبات با دولت‌های خارجی، امیرکبیر را به استخدام و تربیت مترجم واداشت. او در دستگاه مترجمان دولتی، برخی از فرنگیان و ایرانیان مسیحی و تحصیل‌کردگان مسلمان را به کار گماشت، از جمله ادوارد برجیس، میرزا آقا تبریزی، میرزا ملکم‌خان، میرزا ابراهیم و...» (آدمیت، ۱۳۹۸، ج ۱، : ۳۷۹)؛ بنابراین در ایران ترجمه به عنوان یک شیوه علمی، ابتدا با ترجمه آثار اروپایی صورت گرفت. «میرزا آقاخان کرمانی با انتشار «آیینة اسکندری» اندیشه‌هایش را درباره تاریخ ایران باستان ارائه کرد و به دنبال آن، نخستین رمان‌نویسان ایرانی به رمان تاریخی گرایش پیدا کردند؛ این گرایش یادآور شور و شوقی است که نویسندگان کلاسیک فرانسه در قرن هفدهم میلادی به ایران باستان نشان دادند و در خلق آثارشان بیشتر از ترجمه‌های رمان‌های فرانسوی الهام می‌گرفتند. جنبش ترجمه در ایران موجب شد که به تدریج آثار دیگر نمایشنامه‌نویسان، رمان‌نویسان و گویندگان فرانسوی نیز در ایران شناخته شود؛ مانند هوگو، آلفرد دوموسه، لوکنت دولیل و ... (میرعابدینی، ۱۳۷۷، ج ۱ و ۲: ۲۴).

۲-۲. رئالیسم

اصطلاح رئالیسم در لغت به معنی واقع‌گرایی است. به رئالیسم به‌عنوان یک مکتب ادبی در اواسط قرن نوزدهم میلادی نگاه کردند و اولین آثار این مکتب در فرانسه به وجود آمد. رئالیسم از دیدگاه سیروس پرهام «نمایاندن زندگی آن‌چنان‌که هست» است (پرهام، ۱۳۵۹: ۳۹).

رئالیسم محصول عمده قرن نوزدهم است؛ این قرن شاهد به عرصه رسیدن طبقه‌ای نیز بود که اهل داد و ستد و سرمایه‌گذاری بود، طبقه‌ای بی‌فرهنگ که ثروت و مال‌اندوزی نهایت آرزویش به‌شمار می‌آمد، این طبقه به‌شدت با ادبیات دشمن بود که اهل صنعت و حرفه‌ای نبود و بیشتر درگیر داد و ستد بود. این طبقه با سخت‌کوشی توانست وجود خود را در جامعه تثبیت کند و موقعیت‌های فراوانی کسب کند که درنهایت فتودالیسم روسیه را به سود خود شکست داد؛ لیکن طولی نکشید این طبقه غرب را، اعتصابات کارگری و مخالفت‌های فکری فراگرفت و مورد انتقاد قرارداد (ثروت، ۱۳۸۵: ۱۰۶-۱۰۳).

رنالیسم ریشه رفتار آدمی را در شرایط اجتماعی زمان می‌جوید. این سبک، صفات نیک و بد را پدیده‌های طبیعی و ذاتی انسان نمی‌پندارد، بلکه آنها را محصول جامعه می‌شمرد (پرهام، ۱۳۵۹: ۶۲-۴۶).

۲-۳. میرزا حبیب اصفهانی

میرزا حبیب اصفهانی، ادیب، شاعر و مترجم بزرگ ادب ایران است که در تحول نثر فارسی تأثیر به‌سزایی داشته است. نقش پررنگ وی در تحول نثرنویسی در ترجمه‌های سه‌گانه وی دیده می‌شود که این سه ترجمه عبارت‌اند از: ترجمه گزارش مردم گریز از مولیر، سرگذشت ژیل بلاس از رنه لوساژ و حاجی بابای اصفهانی از جیمز موریه. وی در این سه ترجمه، دید انتقادی نسبت به جامعه و مسائل رایج در جامعه دارد که اذهان را به سوی بیداری فرامی‌خواند. میرزا حبیب اصفهانی به خوبی از عهده این ترجمه‌ها برآمده است. از ترجمه‌های او عشق وی به وطن و زبان ایرانی مشهود است. روش وی در ترجمه سرگذشت ژیل بلاس آزادانه است و گاهی به اختیار خود برخی از مفاهیم را تغییر داده است.

وی زبان‌های ترکی، فرانسه، عربی را فراگرفت و همین تسلط او به زبان‌ها، تعابیر، مثل‌ها، اصطلاحات و... توانایی بیان طنزآمیز، قدرت قافیه‌سازی و بهره‌گیری هنرمندانه از واژگان، مقام او را در ترجمه فارسی بی‌همتا کرده است.

میرزا حبیب از طلایه‌داران تدوین دستور زبان امروزی زبان فارسی محسوب شده است. وی اولین فردی است که واژه «دستور» را برای کتابی درباره قواعد زبان فارسی به کار برده است. طبق پژوهش‌های صورت گرفته، وی اجزای کلام را در زبان فارسی مورد طبقه‌بندی قرار داده است، علیرغم اینکه خود را مبتکر این طبقه‌بندی به شمار نمی‌آورد.

حاجی محمد پیرزاده گفته است که: «در عجب و غیرت میرزا حبیب در وطن‌دوستی و حمایت از ایرانی بودن خود باقی است و از وضع ایرانی و زبان فارسی و قواعد ایرانی و ایرانیان بسیار خوش دارد» (لوساژ، ۱۳۸۸: ۵). وی در ترجمه آثار برخی مواردی که به مذاق خواننده و فرهنگ فارسی‌زبانان خوش آید، تغییر داده است.

۳. بحث و بررسی

داستان «سرگذشت ژیل‌بلاس» اثر آلن رنه لوساژ، در چهار جلد، به شیوه رئالیستی و با زبان فرانسوی نوشته شده است. ژیل‌بلاس در یک خانواده فقیر در شهر سانتیلان به دنیا می‌آید و تربیت او را خالویش به عهده می‌گیرد. وقتی به سن جوانی می‌رسد، خالویش برای کسب تجربه و شغل و درآمد او را به سفر در شهرهای اسپانیول می‌فرستد. در راه گرفتار دزدان می‌شود و چندی با آنها زندگی می‌کند و بعد با چاره‌گری از نزد آنها می‌گریزد. با زنی آشنا می‌شود که ثروتی به وی می‌بخشد و ژیل‌بلاس به پشتوانه این ثروت، به سفر خود ادامه می‌دهد؛ اما ریاکاران و دزدان ثروت او را از چنگش درمی‌آورند. در طی سفر با دوست خود خواجه سلمان آشنا می‌شود و خواجه سلمان وی را نزد خلیفه می‌برد تا نزد خلیفه کار کند. ژیل‌بلاس بعد از کسب تجربه‌های فراوان در شغل‌های پزشکی، نوکری، بازیگری و... وارد می‌شود و در نهایت با درایت خود ناظر بزرجمهر و شخص مورد اعتماد وی می‌شود. وی خانواده خود را فراموش می‌کند و وقتی وضعیتی و بیماری آنها را می‌شنود، اهمیتی به وضعیت آنها نمی‌دهد. وی با جاسوسی یکی از بدخواهانش نزد بزرجمهر، به زندان می‌افتد و بعد از رهایی از زندان به سانتیلان نزد پدر و مادرش برمی‌گردد. پدرش می‌میرد و مادرش در سانتیلان می‌ماند. او دلیل فقر و مرگ پدرش را بی‌خیالی خود می‌داند و بر گذشته خود افسوس می‌خورد؛ وی بعد از مرگ پدر، نیاز مادرش را از لحاظ مالی تأمین می‌کند و برای او ماهیانه‌ای تعیین کرده و به خانه خود در اسپانیول برمی‌گردد، با زنی ازدواج می‌کند و زندگی میانه‌ای پیش می‌گیرد.

۳-۱. اسامی افراد

اسم کلمه‌ای است که برای تعیین کردن و نامیدن امور به کار می‌رود و اسم خاص آن است که بر یک فرد معین از افراد نوع دلالت کند. (فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۱۸۲) نویسنده داستان تلاش می‌کند تا به فراخور موضوع و کنش‌های موجود شخصیت‌هایی بیافریند و نام‌هایی برای آنها برمی‌گزیند تا گویای هویت، شکل، عملکرد آن باشد. از منظر نام‌شناسی داستانی می‌توان به اسم و شخصیت اثر از زوایای مختلف نگاه کرد. به طور مثال می‌توان به اسم و شخصیت اثر فقط با توجه به نقشی که در داستان برعهده دارد توجه کرد و یا مشخصه‌های معنایی آن را در نظر داشت. (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۶۳).

در هر اثری با تعداد بسیار زیادی از اسامی روبه‌رو هستیم که متناسب با محیط خود نام نهاد شده‌اند. برای مثال اسامی رایج در انگلستان با اسامی رایج در ایران و عربستان متفاوت است. در هر کشوری اسامی خاصی به همان نام متداول است، برای مثال در ایران از اسامی‌ای چون حسن کچل، فینقیلی و... برای طنز و از اسامی چون لیلا، زهرا، علی برای نامیدن افراد بسیار استفاده می‌شود. در رمان ژیل‌بلاس هم که در کشور فرانسه نوشته شده است و نویسنده فرانسوی دارد اسامی خاصی رایج بوده‌است که از این جمله می‌توان به نام شخصیت اصلی داستان ژیل‌بلاس اشاره کرد.

«خواجه‌سلمان می‌گوید: معنای آزادی این است اگر من هم مانند دیگر شاعران بودم، در منزل این و آن شام و ناهار می‌خوردم. از کار بازماندن و بی‌حضور شدن برکنار، ناچار باید چاپلوسی کنم. به جمعیت و تنهایی و به فراخی و تنگی همه می‌سازم و در عالم خود مردی هستم» (لوساژ، ۱۳۸۸: ۴۴۸).

مترجم این کتاب، میرزا حبیب اصفهانی در ترجمه آثار برخی مواردی که به مذاق خواننده و فرهنگ فارسی‌زبانان خوش آید، تغییر داده است. از جمله در اسامی شخصیت‌های داستان، فقط نام ژیل‌بلاس به زبان فرانسوی بیان شده‌است و نام دیگر شخصیت‌ها از اسامی ایرانی انتخاب شده‌اند؛ از جمله خواجه‌سلمان، بزم‌آرا، شهرآشوب و غیره (کاظم‌پور، ۱۳۹۷: ۶).

۲-۳. آداب و رسوم رایج

در کشورهای اروپایی رسم بوده که چون فرزند متولد شد و اندکی بزرگ شد، تربیت وی را به شخص دیگری از اقوام یا بیگانگان محول می‌کردند.

«ده ماه بعد از ازدواج پدر و مادرم من به دنیا آمدم. خالویم از همان کودکی مرا به خانه خود برد، تربیت‌ام را به گردن گرفت چندان زیرکم دید که خواست دانشورم سازد. الفبایی خرید و خود به درس دادن برخاست. از تعلیم او چنان بهره‌ور شدم که در انجام پنج یا شش سال، اندکی از تألیفات یونانی و خیلکی از نظم و نثر لاتینی بیاموختم در منطق بسیار کار کردم، و در ضمن مناظره ماهرم ساخت...» (لوساژ، ۱۳۸۸: ۳-۴).

ترجمه در نزد مترجمان و نویسندگان اروپای شرقی تنها انتقال معنی از زبانی به زبان دیگر نیست؛ بلکه دیدارگاه دو فرهنگ متفاوت است که در آن چگونگی و نوع تصمیم مترجم در برخورد با فرهنگ مبدأ در مسیر و چگونگی ورود آن فرهنگ، به فرهنگ مقصد و گیرودار برخاسته از این رویارویی تأثیر می‌گذارد. از همین جاست که ترجمه را عملی اجتماعی می‌انگارند (صلح‌جو، ۱۳۷۲: ۲۶). اشاعه این مسائل و آداب و رسوم از کشورهای مبدأ که، از طریق ترجمه‌ها در کشورهای مقصد وارد می‌شود، موجب می‌شود خوانندگان با آنها آشنا شوند و آنها را چون الگویی برای خود قرار داده و مطابق با آن عمل کنند و به تدریج این عمل را در بطن جامعه وارد کرده و موجب توسعه فرهنگی جوامع شوند. میرزا حبیب به صورت آزادانه در ترجمه سرگذشت ژیل‌بلاس وارد عمل کرده است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته این ترجمه خواننده‌محور است، زیرا تقریباً متن به مذاق خوانندگان خوش می‌آید و میتوان تبیین کرد مترجم برخی از قسمت‌ها را حذف و از اینرو از ترجمه پیامی استفاده کرده است.

۳-۳. طعنه و کنایه

کنایه یعنی پوشیده سخن گفتن کلامی که مراد آن معنای ظاهری نباشد و معنای پوشیده آن مقصود نویسنده باشد. انسان روزمره در گفت‌وگو با افراد جامعه از هر لحنی استفاده می‌کند و متناسب با موقعیت از طنز و طعنه و کنایه و... بهره می‌گیرد. از میان لحن‌ها و صحبت‌های رایج، میان شخصیت‌های داستان‌های مورد نظر، طعنه و کنایه جلب توجه می‌کند.

رمان سرگذشت ژیل‌بلاس سرشار از طعنه و کنایه است، طرز بیان و سخن گفتن ژیل‌بلاس به صورتی است که خواننده از کلامش مدام طعنه احساس می‌کند. وقتی خواجه سلمان ژیل‌بلاس را می‌بیند درحالی که لباس زرین پوشیده است با لحن خنده‌دار و طعنه و کنایه وضعیت ظاهری او را توصیف می‌کند و ژیل‌بلاس را در موقعیت تحقیر قرار می‌دهد.

«ماشالله رفیق سرو وضعت به سرووضع شاهزادگان می‌ماند. آن شمشیر هندی و آن جوراب ابریشمین و آن قبا و کلجه ماهوت سجاف زرین. مرده‌شویت ببرد نادرست» (لوساز، ۱۳۸۸: ۷۳).

لحن طعنه‌آمیز در داستان ژیل بلاس گاه به هجو می‌انجامد. مثلاً وقتی خواجه سلمان زمانی که همسر امیر انگشترش را به ژیل بلاس داده بود وی را می‌بیند؛ پوشیده و با لحن طعنه‌آمیز با او سخن می‌گوید:

«برو گم شو! این چاپ و چوب‌ها را به یکی دیگر بزن، جناب ژیل بلاس
این انگشتر سلیمانی که در دست داری از کدام پری به شما رسیده»
(لوساژ، ۱۳۸۸: ۷۴ - ۷۳)

ترجمه از زبان بیگانه و به‌خصوص ترجمه لفظ به لفظ از کتب خارجی باعث می‌شود تا واژگان بسیاری از متن الف به متن ب وارد شود. از جمله لحن‌هایی که در اثر سرگذشت ژیل بلاس رایج است، نیش و کنایه است که در کلام همه شخصیت‌ها دیده می‌شود و از آنجا ناشی می‌شود که این اثر با گونه رئالیستی نوشته شده‌است و شخصیت‌های آن نماینده اقشار سطح پایین و پست جامعه هستند. واضح است که طرز سخن این اشخاص سطح پایین جز هجو، هزل و طنز و کنایه نخواهد بود. این واژگان در این ترجمه با روش خواننده‌محور وارد دستور زبان فارسی می‌شوند و دایره واژگانی زبان مقصد را وسیع می‌کنند و فرهنگ آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ترجمه میرزا حبیب هرچند بیشتر به‌صورت پیامی نوشته شده است ولی در برخی قسمت‌ها، همانند بخشی که ارائه شد، با روش پیامی تبیین شده است و مترجم فقط به پیام متن مبدأ تکیه نمی‌کند؛ بلکه برخی از واژگان را (به‌عنوان مثال، چاپ و چوپ) از لحاظ ساختاری به عینه وارد متن می‌کند.

۳-۴. عدالت

از دیدگاه فلسفه سیاسی، عدالت صفت نهادهای اجتماعی است نه صفت انسان و اعمال او. منظور از عادلانه بودن نهاد اجتماعی این است که حقوق و مسئولیت‌ها، قدرت و اختیارات، مزایا و فرصت‌های وابسته به خود را عادلانه توزیع کند (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۵).

در «سرگذشت ژیل بلاس» هنگامی که ژیل بلاس با منشی‌باشی نزد وزیر می‌رود؛ او را در حال رسیدگی به امور مردم و محرومان می‌بیند که به دادخواهی نزد او آمده‌اند.

«به نزد وزیر رفتیم. در تالاری بزرگ به عرض دادخواهان می‌رسید. در دیوان‌خانه او پیش از دربار پادشاهی آدم بود. از ضباط و عمال و غلام و سواره و مباشر و نوکرباب و اهل نظام جمعی کثیر گردآمده، از فرمانروایان و بیگلربیگیان شکایت می‌کردند. وزیر همه را به نرمی جواب می‌داد.» (لوساژ ۱۳۸۸: ۴۷۱)

ترجمه در اصطلاح، بازگردانی گفتار و نوشتار است از زبانی به زبان دیگر. ترجمه یکی از راه‌های انتقال تجربه اقوام مختلف و عناصر فرهنگی جوامع به یکدیگر است. از آنجا که حفظ و انتقال هر دو عامل صورت و محتوای یک نوشته از زبانی به زبان دیگر به‌طور کامل امکان‌پذیر نیست، مترجم از یک سو نظر به زبان مبدأ و از سوی دیگر نظر به زبان مقصد دارد (دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۸، ج ۱۵، ذیل ترجمه). کتاب چهارجلدی «سرگذشت ژیل‌بلاس» ثمره بیست‌وپنج سال کار و کوشش است. ماجراهای ژیل‌بلاس در طول سفر طولانی‌اش در اسپانیا دستاویزی برای تماس و آشنایی مسافران با قشرهای گوناگون اجتماع است (لوساژ، ۱۳۸۸: ۲۱). میرزا حبیب اصفهانی با ترجمه آزادانه بسیار زیبا و خواننده‌محور از این کتاب و مسائلی که طی این سفر پر فراز و نشیب بر سر قهرمان داستان می‌آید، خواهان این است که اوضاع جوامع را با دیدی انتقادی مورد تحلیل قرار دهد و با این کار شرایط جامعه خود را نیز تغییر دهد؛ زیرا ترجمه‌ها با انتشار در کشورهای مقصد مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای مبدأ را در خود می‌گنجانند و خوانندگان با مطالعه آنها این اعمال و روحيات را در کشور خود بالفعل می‌کنند. وی در تبیین واژگان از تعابیر سنتی چون بیگلربیگیان، مباشر و... بهره‌گرفته است که نشان از نفوذ نویسنده در گزینش واژگان دارد.

۳-۵. آزادی شخصیت‌ها

واژه آزادی به مفهوم مختلطی اشاره دارد که شامل مفاهیم پایه‌ای خودمختاری حکومت بر خود و استقلال از یکسو، توانایی کلی در انجام کارها، داشتن انتخاب‌های مختلف و توانایی کسب هدف‌ها از سوی دیگر است. درمورد انجام یک کار به این معنی است که اگر شخص بخواهد آن را انجام دهد، هیچ‌چیز نباید او را از انجام آن باز دارد و اگر نخواهد انجام دهد، هیچ‌چیز نباید او را مجبور به انجام آن کند. حد بالای این قابلیت انتخاب این است که حتی عوامل درونی روانی نیز مانعی در انجام انتخاب ایجاد نکند (کریمی، ۱۳۹۶: ۱). همه

شخصیت‌های داستان سرگذشت ژیل‌بلاس خودمختار هستند و اعمال خود را با اراده و تصمیم خود انجام می‌دهند.

«رمقی از ناموس و دیانت، میان آن رسوم ناهنجار، در من باقی مانده بود بر آنم داشت که نه‌تنها خدمت دده بزم‌آرا را ترک، بلکه پیوند الفت شهر آشوب را، که با همه عیوب و بی‌وفایی او، دل از مهرش نمی‌توانستم کند، گسستم» (لوساز، ۱۳۸۸: ۲۱۹).

همین آزادی سبب شده است که ژیل‌بلاس بعد از مدتی که در شغلی تجربه کسب کرد، آن شغل را ناتمام رها کند و وقتی اخلاق و رسوم قشری که در خدمت آنها به سر می‌برد، مورد پسند وی واقع نمی‌شود؛ آنها را ترک می‌کند و به خدمت اقشار دیگر جامعه می‌رسد، بدون اینکه مورد ملامت قرار گیرد. در داستان‌ها، آزادی در انتخاب خواسته خود به چشم می‌خورد و هیچ‌کس نمی‌تواند به‌خاطر تصمیمی که شخص می‌گیرد، او را بازخواست کند. نویسندگان با نوشتن این مسائل در آثار خود و ترغیب خوانندگان و اشخاص جامعه خود، خواستار بیداری ذهن آنان در قبال هویت از دست رفته‌شان می‌شوند و به تدریج آنها را از حقوق خود مطلع می‌کنند. میرزا حبیب از روش «ترجمه بومی‌گرایانه» و «اقتباسی» استفاده کرده است و از واژگان زبان مقصد همانند دده بزم‌آرا، استفاده می‌کند؛ بنابراین روش وی خواننده‌محور است و از آنجایی که در واژگان دخل و تصرف دارد، روش پیامی را انتخاب کرده‌است.

۳-۶. جایگاه زنان در جامعه

یکی از نمودهای بارز مؤلفه‌های اجتماعی «سرگذشت ژیل‌بلاس»، بازتاب جایگاه و مقام زن در این اثر است. مقام زن در ژیل‌بلاس متوسط رو به بالا است؛ و زنان وفادار به شوهران خود در میان زنان جامعه بیشتر به چشم می‌خورند.

«بانوی سرای امیر بودن جای خود داشت، اگر به‌جز شوهر اول کسی را دوست باستی داشت، هر آئینه او بودی ولی در دل وفادار بیش از یک یار نمی‌گنجد» (لوساز، ۱۳۸۸: ۴۹).

یک مترجم باید با ادبیات و وضع اجتماعی و سیاسی و آداب و رسوم زبان مبدأ، آشنایی کافی داشته باشد تا بتواند مفاهیم واقعی عبارات و اصطلاحات و تعبیرات آن زبان را تشخیص دهد. نه تنها آشنایی با زبان مبدأ لازم است، بلکه مطالعه و شناخت ادبیات زبان مادری نیز ضروری است. چه تکلم به زبان مادری و عمری با آن زیستن - اگرچه به انسان تسلط و مهارتی خاص می‌دهد - ولی برای امر ترجمه، کافی نیست و یک مترجم باید با مطالعه متون ادبی و اشعار زبان مادری خود، بر سرمایه لغوی خویش افزوده باشد تا بتواند متن بازآفریده خود را بهتر و شیواتر ارائه دهد (زرکوب، ۱۳۸۸: ۱۳). خواننده با خواندن ترجمه ژیل‌بلاس با این امر آشنا می‌شود که در کشورهای اروپایی که فضا و فرهنگ متفاوتی نسبت به کشورهای اسلامی دارند و به داشتن عدم رعایت حجاب اشتهار دارند، نیز وفاداری نسبت به عهد و پیمان دیده می‌شود و زنان آنها علیرغم نداشتن حجاب، به شوهران خود کاملاً وفادار هستند و حتی در صورت بهترین موقعیت‌ها نیز حاضر نیستند عفت خود را زیر پا گذارند و پست شده و در پیمان زناشویی خود خیانت کنند.

مترجم در بخش «در دل وفادار بیش از یک یار نمی‌گنجد» با ترجمه آزاد و روش پیامی، بر عقیده موجود در جوامع تأکید کرده است که در غالب ملل وجود دارد و در ادبیات فارسی نیز از دیرباز بر این نکته تأکید شده است. برای مثال در گنج‌الاسرار عمان سامانی نیز این نکته مشهود است. «گه دلم پیش تو گاهی پیش اوست / رو که در یک دل نمی‌گنجد دو دوست»، بنابراین مترجم بر بومی‌سازی و زبان مقصد تکیه دارد. ترویج این مسائل در کشورهای اسلامی باعث می‌شود که هویت خود را بیشتر دریافته و بر قراردادهای اجتماعی خود بیشتر پافشاری کنند.

۷-۳. بیان فرجام کار ناشایست

زمانی که ژیل‌بلاس تجربه زیادی به دست می‌آورد، به پایگاه اجتماعی والایی دست می‌یابد و به ثروت می‌رسد خانواده خود را فراموش می‌کند و وقتی حال ندار آنها را می‌شنود، به فکر نیازمندی آنها نمی‌افتد و به آنها توجهی نمی‌کند. بعد از تحول روحیه‌ای که پیدا می‌کند، ناگاه به فکر خانواده خود می‌افتد و قصد بازگشت نزد خانواده خود می‌کند، به سانتیلان می‌رود و خانواده خود را از شدت فقر و تنگدستی، در حال مرگ می‌بیند و با خود می‌گوید:

«ای ناخلف این همه بینوایی و بیچارگی اینان از ناخلفی توست. اگر در هنگام توانایی این ناتوانان را به فضلۀ نعمتی که داشت درمی‌یافتی، بدین روز نیفتادندی و شاید بیشتر می‌زیستند» (لوساژ، ۱۳۸۸: ۵۶۰).

همان‌طور که ذکر شد میرزا حبیب اصفهانی با رویکردی انتقادی نسبت به جامعه کتاب سرگذشت ژیل‌بلاس را ترجمه کرده‌است و حتی برای اینکه به مذاق خوانندگان ایرانی خوش نشیند، اسامی فرانسوی شخصیت‌های داستانی را نیز بجز نام شخصیت اصلی؛ ژیل‌بلاس؛ به فارسی تغییر داده است. در این میان نویسنده داستان نیز آقای رنه لوساژ نیز این رمان چهارجلدی را به شیوۀ رئالیستی و انتقادی نوشته‌است و مسائل جامعه را همان‌طور که در اجتماع اتفاق می‌افتد، به تصویر می‌کشد. وی در این نمونه مثال ذکر شده از زبان شخصیت اصلی خوانندگان را تشویق می‌کنند تا به فکر خانواده خود باشند و چون به مال و منال رسیدند، طمع‌ورزی را کنار بگذارند و در اندیشه خانه و خانواده خود که او را بزرگ کرده‌اند، باشند. اشعۀ این طرز تفکر در جامعه اسلامی و استفاده عملی از آن در خانواده‌های اسلامی سبب توسعه فرهنگی جامعه می‌شود.

روش میرزا حبیب عدم پایبندی به الفاظ و تکیه هرچه بیشتر بر مفاهیم است. وی در ترجمه تاحدودی از الفاظ لوساژ فاصله می‌گیرد و از تعبیری که در ملت خود حضور دارد، بهره می‌برد. برای مثال لفظ ناخلف کاربرد وسیعی در زبان فارسی دارد؛ با توجه به مسائل ذکر شده در این قسمت نیز روش مترجم پیامی است که با آزادی ذهن و قلم نوشته شده است.

۸-۳. تضاد طبقاتی

«تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی بر آفرینش ادبی» عنوان نظریه گلدمن در رابطه با دفاع از جامعه‌شناسی ادبیات اوست. وی معتقد است «به نظر ما فرم رمان درواقع برگردان زندگی روزمره در عرصه ادبی است. برگردان زندگی روزمره در جامعه فردگرایی که زاده تولید برای بازار است. میان فرم ادبی رمان و رابطه روزمره انسان‌ها با کالا به‌طورکلی و به معنایی گسترده‌تر، رابطه روزمره انسان‌ها با انسان‌های دیگر، در جامعه‌ای که برای بازار تولید می‌کند، همخوانی دقیق وجود دارد (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۹). در داستان‌هایی که به شیوۀ رئالیسم اجتماعی نوشته شده‌اند، بیشتر به افراد محروم و طبقات فرودست جامعه توجه می‌شود و عمده توجه

این داستان‌ها مسائل اقتصادی، فقر و تضاد طبقاتی حاکم بر جامعه است. نویسنده رئالیست باید مانند یک کاوشگر ریشه مشکلات اقتصادی را در جامعه و زندگی روزمره بکاود، چراکه ریشه هر چیزی زیر لایه‌های زندگی نهفته است» (رادفر؛ حسن‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۰).

از جمله مسائل اقتصادی رایج در رمان سرگذشت ژیل‌بلاس، فقر و تضاد طبقاتی است که در آن موج می‌زند. این رمان از نوع رمان‌های پیکارسک است که زندگی شخصیت بیدست و پا و لابلایی را از بدو تولد نشان می‌دهد. این شخصیت پیکارسک خانه و زندگی خود را بر دوش می‌نهد و از خانه و خانواده می‌برد و به دلیل فقر و ناداری برای کسب تجربه و شغل راهی سفری طولانی می‌شود تا شاید زندگی خود را سروسامان دهد. ژیل‌بلاس در این سفر پرمخاطره، افراد زیادی را از هر صنف می‌بیند و با آنها نشست و برخاست می‌کند، وی در جایی از داستان به فقیری برمی‌خورد.

«دیدیم که درختان بزرگ و انبوه سر به یکدیگر داده، سایه‌اش را به آنجا کشانیده مردی را در آنجا دیدیم که شمشیر با کوله‌بار در زیر درختی نهاده و خود نان خشک با آب تر می‌کرد و می‌خاوید» (لوساژ، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

مردی که نان خورشش آب است، با خواجگانی که چندین نوع غذای رنگین در سفره آنها دیده می‌شود قابل مقایسه نیست. مثل خلیفه‌ای که ژیل‌بلاس سفره‌دار آن بود.

«در اول یک کاسه آبگوشت آوردم که خوراک یک حمال بود، بعد از آن، دو رنگ طعام که پرستار از ترس اینکه مبادا باد مفاصل خلیفه را بجنباند، از ادویه و بهارات دریغ نکرده بودی، چون از این تنقلات فارغ شد، کبکی بریان با دو سمانی، یعنی بلدرچین آوردم پرستار پاره‌پاره کرد آنها را هم بلعید» (لوساژ، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

ترجمه پیوند و رابطه‌ای است فرهنگی میان مردمانی که هم‌زبان نیستند و ابزاری است برای نقل اندیشه‌ها، خواست‌ها، آیین‌ها، قصه‌ها، هنرها، دانش‌ها و غیره، از زبانی به زبان دیگر (احمدی‌گیوی، ۱۳۷۴: ۲۳۷). رنه لوساژ با بیان این تضاد طبقاتی خواهان این است که

دولتمردان سرزمینش را به بیداری فراخواند تا به تضاد طبقاتی حاکم بر جامعه وافق شوند و آن را بیش از پیش در مقابل چشمان خود تجسم کنند و مترجم نیز با ترجمه این مطالب با همین قصد آن را وارد جامعه خود می‌کند تا با بیداری اذهان به توسعه فرهنگی جامعه خود دامن بزند.

میرزا حبیب با ترجمه آزادانه خود و دخل در برخی از واژگان متن اصلی، چون خوردن که به صورت بلعیدن مطرح شده است، سعی دارد به داستان جنبه طنز بدهد و از آنجایی که طبع بذله‌گویی دارد، بسیار موفق از عهده آن برمی‌آید؛ بنابراین ترجمه به صورت اقتباسی و پیامی صورت گرفته است.

۳-۹. بازیهای محلی

بازیها بخشی از زندگی مردمان را در طول تاریخ به خود اختصاص می‌دهند. هر ملتی متناسب با فرهنگ مردمانش بازی‌ها و سرگرمی‌های مخصوص به خود را دارد که این امور، جزئی از فرهنگ آن جامعه به شمار می‌آید. برخی از این بازیها در ابتدا مخصوص اشراف و سران کشوری بودند و عامه مردم آشنایی مختصری با این قبیل سرگرمی‌ها داشتند.

«مردم شهری در میدانی بزرگ به تماشای گنگ‌بازی گرد آمده بودند، در میان بازیگران یکی بود که پیوسته آفرینش می‌کردند. آن مرد خواست تا مجلس را به بازی تازه برچیند، به میان آمد و خم شد دامن بر سر کشید و آواز بچه خوک کردن کرد. بدان خوبی که همه گمان کردند بچه خوکی در زیر دامن دارد آوازه شادباش از هر سو برخاست.»
(لوساژ، ۱۳۸۸: ۱۹۱)

هر اثر رئالیستی از فرهنگ عامه رایج در دوره نویسنده اثر نشأت می‌گیرد و فرهنگ دربردارنده مسائل کلی جامعه از جمله سیاست، اقتصاد، مسائل اجتماعی و... است. در هر شهر و محلی رسوم و آداب خاصی وجود دارد. این آداب خاص در فضای رمان «سرگذشت ژیل‌بلاس» نیز دیده می‌شود؛ از جمله آنها نمونه‌ای از بازی است که ذکر آن گذشت. گنگ‌بازی گویا نمایی چون پانتومیم یا تئاتر است که با بررسی‌های صورت گرفته درباره خود لفظ «گنگ‌بازی» توضیحی داده نشده است و اقتباسی یا معادلسازی به نظر می‌رسد. در این بازی، بازیگران به

نمایش می‌پردازند مردم شهر جمع می‌شوند، تماشایشان می‌کنند، گاه تحسین‌شان می‌کنند و گاه مورد پسندشان واقع نمی‌شود. حضور این بازی‌های نوین مانند گنگ‌بازی در اجتماع و بازگردان آنها در جامعه مقصد سبب نفوذ این بازیها در جوامع دیگر هم میشود که در نهایت سبب گسترش فرهنگ جوامع می‌شود. قسمت نقل شده به روش آزادانه تحریر شده است که نویسنده در آن دخل و تصرف دارد و با گزینش شیوه پیمایی مفهوم مورد نظر را تبیین می‌کند.

نتیجه‌گیری

ترجمه درک و تحلیل مباحث موجود در زبان مبدأ و منقل کردن و یافتن معادل معنایی آن مباحث در زبان دیگر (زبان مقصد) است. از طریق ترجمه، خواننده با ادبیات، فولکلور و روحيات حاکم بر ملل دیگر آشنا می‌شود. نویسندگان با رویکردهای مختلفی دست به ترجمه می‌زنند. برای مثال امکان دارد روش لفظ به لفظ را انتخاب کنند و آزادانه مفاهیم مورد نظر نویسنده زبان مبدأ را در اثر خود «زبان مقصد» بازتاب دهند، مترجمان از این طریق مردم جامعه و به خصوص خوانندگان را با فرهنگ‌های مختلف جوامع آشنا می‌کنند و فرهنگ جامعه خود را توسعه می‌بخشند. رمان سرگذشت ژیل‌بلاس، نوشته آلن رنه لوساژ فرانسوی، ترجمه میرزا حبیب اصفهانی است که در تحریر آن روش آزاد ترجمه را انتخاب کرده‌است. این پژوهش تبیین می‌کند که، مترجم برای اینکه داستان به مذاق خوانندگان ایرانی خوش آید، تغییراتی در مفاهیم زبان مبدأ ایجاد داده است. میرزا حبیب با رویکردی انتقادی رمان رئالیستی سرگذشت ژیل‌بلاس را ترجمه کرده‌است و از آنجایی که در رمان‌های رئالیستی مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همان‌گونه که در جامعه حضور دارد، ظهور و بروز می‌کند، مترجم با رویکردی انتقادی و توسعه فرهنگی جامعه خود به آن التفات کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در این اثر مسائل فرهنگی‌ای چون فقر و تضاد طبقاتی، اسامی شخصیت‌ها، جایگاه زنان در جامعه، فرجام ناشایست کارها، بازی‌های محلی، آزادی، عدالت، آداب و رسوم و... بازتاب دارد که در توسعه فرهنگی جامعه زبان مقصد نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند.

منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۹۸). *امیرکبیر و ایران*، ج ۱، چاپ دوازدهم، تهران: خوارزمی
- آذروش، محمد (۱۳۹۵). *اصول و روشهای ترجمه*، قم: کتاب الکترونیکی مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- احمدی گیوی، حسن (۱۳۷۴). *از فن نگارش تا هنر نویسندگی*، تهران: نشر سخن.
- اخوّت، احمد. (۱۳۷۱). *دستور زبان داستان*، چاپ اول، اصفهان: فردا.
- انوشیروانی، علیرضا. (۱۳۹۱). *ادبیات تطبیقی و ترجمه پژوهی*. «مجله ادبیات تطبیقی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» س ۳. ش ۱. پیاپی ۵. صص ۹۱-۱.
- بالایی، کریستف (۱۳۷۷). *پیدایش رمان فارسی*، ترجمه مهوش قویمی، نسرین دخت خطاط، ناشران: معین، انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰). *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن ۲۰*. جلد دوم، تهران: نی.
- بیرانوند، شیوا (۱۳۸۹). *بررسی ترجمه متن‌های تصویری بر مبنای تئوری ترجمه و ترجمه فرهنگی*، «کتاب ماه کودک و نوجوان»، قسمت دوم، شماره ۱۶۰، صص ۸۹-۹۲.
- پرهام، سیروس. (۱۳۵۹). *رتالیسم و ضد رتالیسم در ادبیات*، تهران: نیل.
- ثروت، منصور. (۱۳۸۵). *آشنایی با مکتب‌های ادبی*، تهران: سخن.
- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (۱۳۸۸)، جلد ۱۵، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

رادفر، ابوالقاسم و حسن زاده، میرعلی عبدالله. (۱۳۸۳). نقد و تحلیل وجوه تمایز و تشابه اصول کاربردی و مکتب‌های ادبی و رئالیسم و ناتورالیسم، «فصلنامه پژوهش ادبی»، شماره ۳، صص ۲۹-۴۴.

زرکوب، منصوره (۱۳۸۸). فن ترجمه، اصفهان: نشر مانی.

صلح‌جو، علی (۱۳۷۲). ترجمه عملی اجتماعی، ن «شریه دانش»، شماره ۷۷، صص ۲۶-۳۴.

غنیمی هلال، محمد (۱۳۷۷). الأدب المقارن. ترجمه مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: مؤسسه نشر امیرکبیر.

فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۴). دستور مفصل امروز. چاپ دوم، تهران: سخن.

کاظم‌پور، مهسا (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی داستان سمک عیار و سرگذشت ژیل‌بلاس اثر آلن رنه لوسائز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل.

کبیری، قاسم، (۱۳۸۸). اصول و روش ترجمه، چاپ اول، تهران: رهنما.

کریمی، حسام‌الدین (۱۳۹۶). «از کدام آزادی: بررسی انواع آزادی و تعاریف آن»، گاهنامه فرهنگی اجتماعی سیاسی «چراغ» شماره ۴.

کیانفر، جمشید (۱۸۸۳). «ترجمه در عهد قاجار از آغاز تا دوره ناصرالدین شاه»، مجله نشر دانش، س ۱۰، شماره ۱.

گلدمن، لوسین. (۱۳۷۱). جامعه‌شناسی ادبیات: دفاع از جامعه‌شناسی رمان. ترجمه محمدجعفر پوپنده، تهران: انتشارات هوش و ابتکار.

لطفی‌پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۱). «درآمدی بر اصول و روش ترجمه». تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

لوساژ، آلن رنه. (۱۳۸۸). سرگذشت ژیل بلاس، ترجمه میرزا حبیب اصفهانی، به اهتمام غلامحسین میرزا صالح، تهران: مهین.

محمدی، ابراهیم و حسن امامی (۱۳۹۱). «کارکرد ترجمه در حوزه ادبیات ملل (با تأکید بر ادبیات فارسی و عربی)»، مطالعات ترجمه. سال ۵. شماره ۶. صص ۲۷-۴۵.

میرعابدینی، حسن. (۱۳۷۷). «صد سال داستان‌نویسی ایران». تهران: نشر چشمه.

مینوی، مجتبی (۱۸۸۲). «اولین کاروان معرفت»، مجله یغما، س ۸، شماره ۳.

نوایی، داوود (۱۸۸۸). تاریخچه ترجمه فرانسه به فارسی در ایران از آغاز تا کنون، تهران: کویان.